

den Faden verlieren

written by مرتضی غلام نژاد | آوریل 21, 2018

در درس امروز از سری دروس اصطلاحات آلمانی ، می خواهیم با هم نگاهی داشته باشیم به اصطلاح den Faden verlieren

در زبان فارسی می گوئیم رشته کلام از دستم خارج شد ، کنایه از این دارد که موضوعی را در هنگام گفتن آن از یاد برده ام ، در زبان آلمانی ما می توانیم از اصطلاح den Faden verlieren آن نخ را گم کردن ، استفاده کنیم.

گاهی جالب است ، همواره اصطلاحاتی که ما در زبان فارسی بکار می بریم ، در آلمانی نیز به گونه ای خیلی شبیه تر مورد استفاده قرار میگیرد.

Den Faden verlieren

Man hat den Faden verloren, wenn man vergessen hat, was man sagen wollte

نخ را گم کردن

آدم نخ را گم میکند وقتی فراموش میکند آنچیزی را که می خواست بگوید.

همانطور که در بالا اشاره کردم : رشته کلام را گم کردن ، رشته کلام را از دست دادن و ...

Beim Sprechen vergessen, was man sagen wollte, den gedanklichen Zusammenhang verlieren

در هنگام صحبت کردن فراموش کردن چیزی که آدم می خواست بگوید ، رشته افکار از دستان خارج شود

Den Faden verlieren : nicht mehr weiter wissen, vergessen, was man eigentlich sagen wollte

نخ را گم کردن : دیگه بیشتر ندانستن ، فراموش کردن آنچیزی که در واقع آدم می خواست بگوید.

Als neulich am Sonntag der Herr Pastor / Eine peinliche Pause machte, / Weil er *den Faden* der Rede
verlor

جدیداً در یک شنبه (ها) آقای کشیش یک وقت تنفس (استراحت) خجالت آور انجام میدهد، چونکه او رشته کلام را از دست
میده یا رشته کلام از دستش خارج می شود.

Leider hat die Moderatorin immer wieder den Faden verloren

متاسفانه باز دوباره رشته کلام از دست مجری خارج شد.